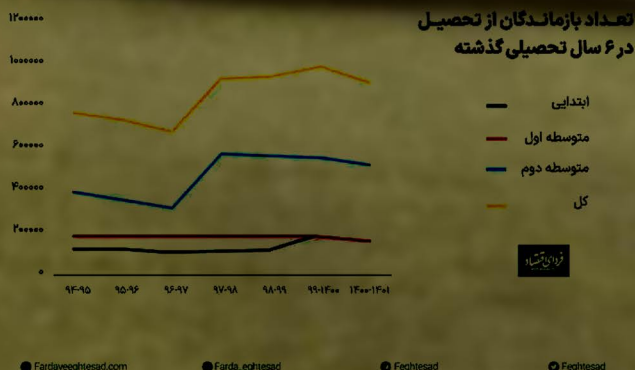


عدالت آموزشی در سرآشویی سقوط



نشریه اختصاصی انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه علوم پزشکی باسوج
ششمین شماره گاهنامه صراط
انجمن اسلامی دانشجویان مستقل

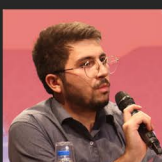


شورورماه ۱۴۰۲



عدالت آموزشی
در سرآشویی سقوط

فاطمه احمدیان



نشدگی، انصاف رندی
و فرصت محتوایی

امیرعباس دردانه



امروز هم
عاشورا است

مجتبی الباد



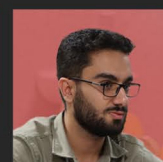
زنان و مسئله ی
هویت

فاطمه بهرامی



تغییران مورد انتظار در روسیه
در پاسخ به شورش گریه و آنگر

Thomas Graham



معرفی کتاب
"سفر شهادت"

رضا هادی فر



آبی بر آتش

فاطمه حسینی المدنی



نشریه اختصاصی انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه عل و م پزشکی یاسوج

ششمین شماره گاهنامه حسرات
انجمن اسلامی دانشجویان مستقل
شهریور ماه ۱۴۰۲

صاحب امتیاز:
انجمن اسلامی دانشجویان مستقل

مدیر مسئول: امیرعباس دردانه

سر دبیر: فاطمه احمدیان

هیئت تحریریه:

مجتبی الباد

امیرعباس دردانه

فاطمه احمدیان

فاطمه سادات حسینی المدنی

علی زارعی

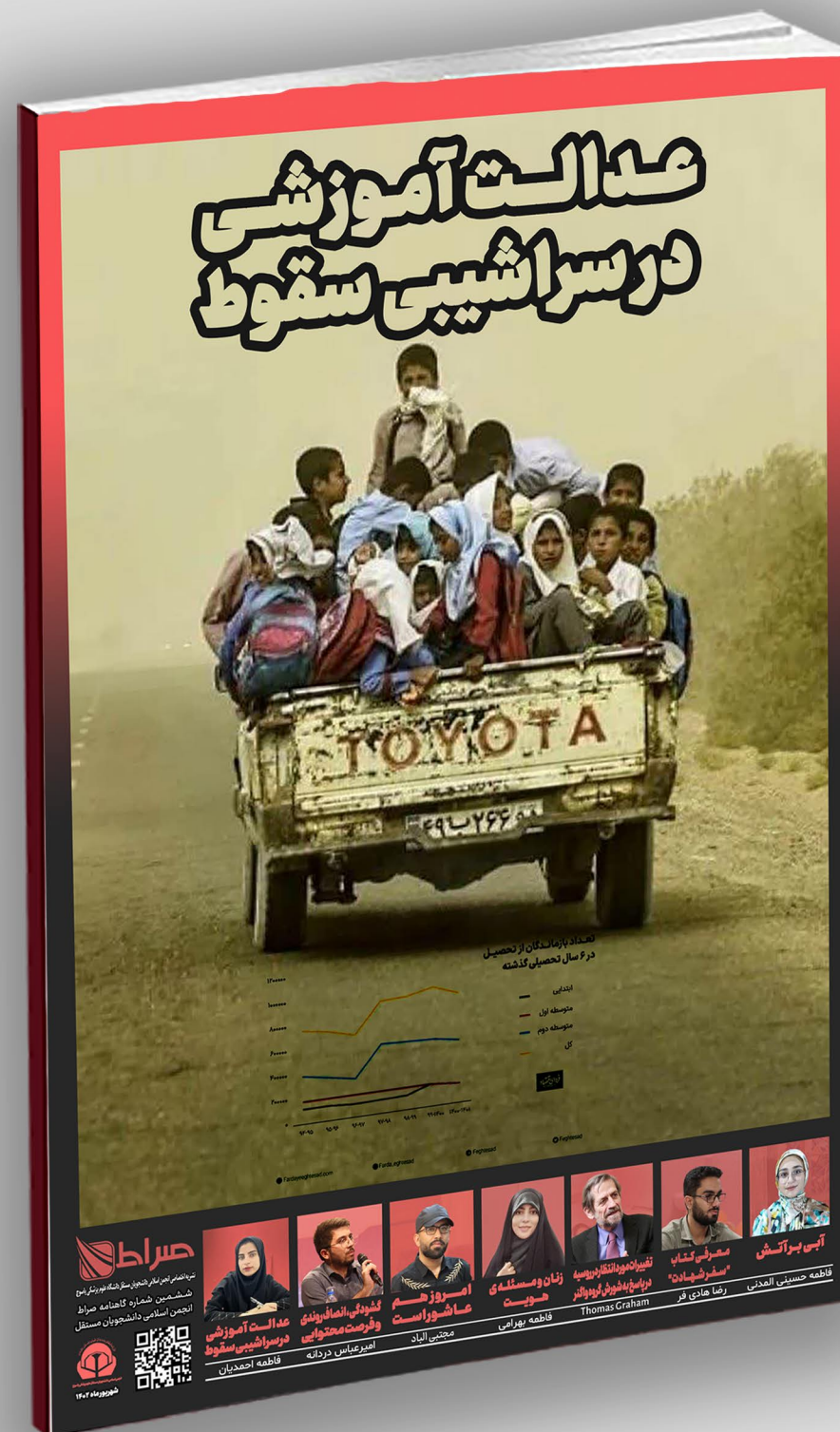
رضا هادی فر

طراح: محمدرضا سوداگر

@YUMS_MOSTAGHEL

@MOSTAGHEL_YUMS

@MOSTAGHEL_YUMS



سخن سردبیر ۴

عدالت آموزشی در سراسرایی سقوط ۵

گشودگی ، انصاف روندی و فرصت محتوایی ۷

زنان و مسئله ی هویت ۸

امروز هم عاشورااست ۱۰

تغییرات مورد انتظار در روسیه در پاسخ به شورش گروه واگنر ۱۱

معرفی کتاب "سفر شهادت" ۱۳

آبی بر آتش ۱۳



متن سردییر

این شماره نشریه همراه تقدیم می شود:

به قهرمانان کوچک و بزرگ حادثه تروریستی راهپیمایی
به روح بلند مرتبه شهیدان که بر چشمتان خدمت می کنند، و
عترت در لفظات رعیب آور از جان خود می گذرند.

کسان که دلورس و ایثارشان در تاریخ
حمله را ناجوانمردانه بر سیاه دلتان فتوحتم، الهام بخش آینده
از روشن برادر انسانیت می باشد.

باشد که شجاعت و شرافت این زنان و مردان بر هر جریده
تاریخ ثبت شود.

فاطمه احمدیان
بهداشت محیط ۹۹

عدالت آموزشی در سراسری سقوط

فرصت دسترسی به آموزش برابر برای همه

محرومیت و... نباید محدود کننده دسترسی افراد به مدارس و طرد آنها شود. برای بررسی این رویکرد نرخ پوشش تحصیلی دوره ابتدایی از مولفه‌هایی است که می‌توان به آن مراجعه کرد تا با رصد آن درصد بازماندگان از تحصیل را برآورد کرد. مثلاً طبق نمودار زیر برداشت می‌شود، کودکان سیستان و بلوچستانی بالاترین نرخ بازماندگی از تحصیل را دارا هستند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین محرومیت و عدم دسترسی به آموزش رابطه مستقیم وجود دارد.



فاطمه احمدیان
بهداشت محیط ۹۹

متن پیش رو چکیده‌ای از نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه عدالت آموزشی است که بنده با مطالعه درس گفتارها، مقالات و مشاهده مصاحبه‌های آن‌ها جمع‌آوری کرده‌ام، بنابراین در کنار تحلیل شخصی سعی شده است نظرات اساتید نیز لحاظ شود، تا صرفاً نظر فرد خاصی در این زمینه مطرح نشود.

■ مقدمه:

در ساده‌ترین تعریف از عدالت گفته می‌شود: زمانی عدالت در جامعه‌ای برقرار است که افراد جامعه، از فرصت‌های برابر و منصفانه برخوردار باشند؛ از آنجایی که عدالت یک فریضه اجتماعی است، نهادهای اجتماعی از جمله آموزش و پرورش می‌توانند طلایه‌دار تحقق و ایجاد این فرصت‌های برابر شوند. زمانی این هدف ثانویه محقق می‌شود که در ابتدا این نهاد در بدنه خود عدالت را ایجاد نماید. لذا بحث عدالت آموزشی مطرح و اهمیت می‌یابد. عدالت آموزشی در معنای عام دربرگیرنده بهره‌مندی همه افراد از امکانات متناسب با نیازشان است. معیارهای تعیین‌کننده در بهره‌مندی از امکانات آموزشی و ایجاد عدالت آموزشی شامل: استحقاق، نیاز، میزان تلاش افراد و در نظر گرفتن استعدادها و ویژگی افراد است. آموزش و پرورش است که اجازه می‌دهد فرد با شکوفایی و بالفعل کردن توانایی‌ها و استعدادهاش از فقر درآمده و در کسب ارزش‌هایی مانند ثروت، منزلت و احترام از موقعیت گذشته خارج شود.

زمانی که فرهنگ عدالت آموزشی در یک سیستم آموزشی حاکم شود موجبات همبستگی اجتماعی بین سه قشر اساتید، دانشجویان (دانش‌آموزان) و کارکنان آموزشی را فراهم می‌سازد؛ اما در نقطه مقابل اگر جوامعی اهمیت رسیدن به عدالت آموزشی را در برنامه‌ریزی‌های خود نادیده بگیرند، هرچه بیشتر به طبقاتی شدن جامعه دامن می‌زنند.

■ دو رویکرد نظری برای برابری آموزش:

۱- فرصت دسترسی به آموزش عمومی برابر: همه افراد باید بتوانند به آموزش عمومی رایگان دسترسی داشته باشند و متغیرهایی مانند: طبقه، جنسیت، قومیت، طبقه‌بندی جغرافیایی،

سال تحصیلی	ابتدایی	متوسطه اول	متوسطه دوم	کل	درصد تغییر
۹۴-۹۵	۱۵۲,۲۲۵	۲۱۵,۸۵۴	۴۰۹,۷۸۳	۷۷۷,۸۶۲	-۳۸,۵
۹۵-۹۶	۱۶۱,۸۶۷	۲۱۵,۶۸۱	۳۷۰,۳۶۲	۷۴۷,۹۱۱	-۶,۸۹
۹۶-۹۷	۱۴۲,۵۰۲	۲۰۹,۸۸۴	۳۲۴,۰۱۲	۶۷۶,۳۹۸	۳۳,۹
۹۷-۹۸	۱۴۱,۹۴۴	۲۰۸,۶۱۹	۵۷۸,۳۳۶	۹۲۸,۸۹۹	۱,۵۵
۹۸-۹۹	۱۴۷,۱۱۸	۲۱۰,۸۹۸	۵۸۵,۵۹۸	۹۳۸,۶۱۴	۴۵۰
۱۳۹۹-۱۴۰۰	۲۱۰,۲۲۱	۲۰۴,۷۳۵	۵۶۵,۹۱۵	۹۸۰,۸۷۱	۵,۲
۱۴۰۰-۱۴۰۱	۲۵۸,۱۲۶	۱۸۹,۵۳۴	۵۳۵,۹۲۵	۹۸۳,۵۸۵	

رتبه‌بندی استان‌های دارای بیشترین نرخ بازماندگی (۱۳۹۴-۹۵ و ۱۴۰۰-۱۳۹۹)

رتبه	رتبه بر اساس فراوانی مطلق	فراوانی نسبی (نسبت به جمعیت دانش‌آموزی استان)
۱	سیستان و بلوچستان (۱۱۷,۲۴۵)	سیستان و بلوچستان (۱۸/۵۶)
۲	خراسان رضوی (۸۶,۹۳۳)	آذربایجان غربی (۹/۷)
۳	خوزستان (۶۸,۱۷۵)	خراسان شمالی (۸/۹)
۴	تهران (۶۵,۲۶۶)	خراسان شمالی (۸/۴)
۵	آذربایجان غربی (۵۶,۱۸۱)	گلستان (۸/۳۴)

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس

۲- آموزش فراگیر متناسب: علاوه بر دسترسی، کیفیت آموزش مناسب، برخورداری از اساتید شایسته و نتایج آموزشی رضایت بخش نیز از مواردی است که تأمین آن‌ها باید برای همه گروه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. یکی از دلایلی که خانواده‌های ایرانی برخورداری تمایل دارند فرزندان خود را در مدارس غیر دولتی ثبت نام کنند این است که در حال حاضر در مدارس دولتی، نسبت دانش‌آموز به معلم افزایش یافته و کلاس‌ها شلوغ‌تر شدند؛ از این رو کیفیت آموزش در این مدارس رفته رفته کاهش پیدا کرد. از طرف دیگر، در حال حاضر کشور با کمبود معلم کارآمد و متعهد روبرو است. نیرو در آموزش و پرورش کم است و هر چند وقت یکبار شاهد این هستیم که آموزش و پرورش سعی می‌کند با آزمون‌های استخدامی و... کمبود نیروی خود را جبران کند. اما نبود نگاه‌های بلند مدت برای پرورش نیرو در سیاست‌گذاری‌های این نهاد سبب شده است با کمبود اساتید شایسته در بعضی از مدارس روبرو شویم.



■ آموزش پته‌ای:

یکی دیگر از سیاست‌هایی که زمره‌هایی از آن به گوش می‌رسد و بعضی از تصمیم‌گیران حوزه آموزشی مطرح می‌کنند ایده پته ای کردن آموزش است. پته‌ای سازی آموزش به معنای این است که دولت کوپن و حواله‌هایی را به خانواده‌ها می‌دهد تا آنها خود حق انتخاب داشته و مدرسه فرزند خود را تعیین کنند، به نوعی دولت سرانه مدارس را به جای اینکه در اختیار مدرسه قرار دهد به خانواده‌ها می‌دهد. این ایده تجربه ناموفقی است که اعمال آن در کشورهایی مانند آمریکا و شیلی عایدی موردنظر را نداشته است. از جمله دلایلی که می‌توان برای رد این سیاست بیان کرد این است که:

الف) تزیین این ایده به حق انتخاب صرفاً ظاهر کار را زیبا می‌کند، اما با نگاه عمقی‌تر می‌توان دریافت که این مدارس هستند که دانش آموزان خود را انتخاب می‌کنند و عملاً سهم خانواده‌ها آنقدر ناچیز است که می‌توان نادیده گرفت. مثلاً با برگزاری آزمون‌هایی مانند آزمون تیزهوشان، اخراج دانش آموزان در مدارس غیر دولتی به بهانه اینکه موفق به کسب نمرات خوب نشدند و ... نشان می‌دهد که این کارکنان مدارس هستند که انتخاب می‌کنند چه کسی می‌تواند در مدرسه آنها تحصیل کند.

ب) والدین به منبعی که با استفاده از آن بتوانند مدارس را ارزشیابی کرده و تشخیص دهند کدام کیفیت آموزشی بهتری دارد، دسترسی ندارند. همین مسئله در سطح کلان سبب می‌شود، دولت عملاً نظارتی بر روی مدارس نداشته و مدارس، که به نوعی محل رقابت برای جذب دانش آموز بیشتر تبدیل شده‌اند با دادن نمره‌های دروغین به دانش آموزان سطح تحصیل خود را با کیفیت‌تر نشان دهند تا خانواده‌ها رغبت بیشتری برای حضور فرزندان خود در این مدارس داشته باشند.

ج) والدین دانش آموزانی که در شهرهای کوچک‌تر و روستاها درس می‌خوانند حق انتخابی نخواهند داشت، زیرا تعداد مدارس هر مقطع تحصیلی در اکثر مواقع از یک عدد تجاوز نمی‌کند.

در پایان به طور خلاصه می‌توان گفت که کشور در حوزه آموزش و پرورش سیاست‌هایی را در پیش گرفته که هرچه بیشتر به بی‌عدالتی دامن می‌زنند. مدرسه به عنوان نهادی اجتماعی از هدف خود که ایجاد فرصت‌های برابر است، روز به روز فاصله گرفته و این موهبت جمعی هر چه بیشتر سبب طبقاتی شدن جامعه خواهد شد. ■

■ سیاستگذارهای آموزش ایران:

چند وقتی است که بحث عدالت آموزشی در بین صاحب نظران و تصمیم‌گیران حوزه آموزشی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است و اکثر افراد بر این مسئله اتفاق نظر دارند که سیستم آموزش و پرورش نتوانسته است به اهداف خود، که در ابتدای متن به آنها اشاره شد، برسد.

هر کارشناس سعی می‌کند راه حل برون رفت از این معضل را بیان کند اما با نگاهی به سیر آموزش متوجه می‌شویم که عملاً به جای پیشرفت در این حوزه، پسرفت داشته‌ایم.

مایکل والزر فیلسوف و نظریه پرداز سیاسی، معتقد است که مدرسه با پر کردن دو فاصله:

۱- فاصله زمانی بین کودکی تا بزرگسالی

۲- فاصله فضایی بین خانواده و جامعه

نقش مهمی در تربیت شخصیت و تربیت شهروندی دارد. اما نکته حائز اهمیت در کشور این است که این نوع نگاه از سوی سیاستمداران وجود ندارد و اهمیت نظام آموزشی از سوی آنها مغفول مانده و به هیچ وجه عدالت آموزشی جز اولویتهای اصلی حکمرانی نمی‌باشد؛ تا آنجا که در سیاستگذاری‌های صورت گرفته هرچه بیشتر سهم دولت در تامین مالی نهادهای آموزشی کمتر شده و فشار بیشتری بر روی خانواده‌ها اعمال می‌شود.

پیشنهادهایی مانند خصوصی سازی کامل و آموزش پته ای از جمله سیاست‌هایی است که نشان می‌دهد تصمیم‌گیران این حوزه تا چه میزان از ضرورت توجه به این نهاد بی‌اطلاعند. روش خصوصی سازی در آموزش و پرورش که شامل برون سپاری همه جانبه، خصوصی سازی در بعد مالی و خصوصی سازی فیزیکی-کالبدی می‌شود از جمله اقداماتی است که دولت با توسل به آنها از تامین بودجه آموزش و پرورش عقب نشینی کرده است. از مثال‌های این مورد می‌توان گسترش هرچه بیشتر مدارس غیرانتفاعی را نام برد، یا اینکه به تغییر کاربری زمین‌های مدارس اشاره کرد. مدارس با اتکا به این دلیل که قادر به تامین هزینه‌های خود نیستند، بخشی از زمین مدرسه خود را تغییر کاربری داده و مثلاً به مغازه تبدیل می‌کنند تا با اجاره آنها کسب درآمد کنند یا اردوگاه و زمین‌های ورزشی خود را کرایه می‌دهند. در صورتی که این مسائل موجب می‌شود که دانش آموزان از فضای استاندارد آموزشی محروم شوند.

گشودگی، انصاف روندی و فرصت محتوایی

رالز شرط گشودگی را شرطی تلقی می‌کند که باید برآورده شود تا نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی عادلانه شوند

خدماتی که نهاد ارائه می‌دهد باید متناسب با نیاز جامعه باشد و برای ارائه آن خدمات توجیهات مقبولی بیاورد، به عنوان مثال نهاد سلامت و درمان توجیهات و دلایل محکمی دارد که وجود داشته باشد و مردم از خدمات آن بهره ببرند. اما استدلال شخصی همچون اسکنلن از منظر "گشودگی" است. اسکنلن همچنین جمله‌ی طلایی را در کتابش ذکر کرده: (اور بیوکنن) گمان می‌کند که اگر مناصب دلخواه در جامعه برای همه اعضا، فارغ از این‌که در چه خانواده‌ای به دنیا آمده‌اند، "گشوده" نباشند این شرط توجیه‌پذیری برآورده نشده است. نمی‌توانیم از افراد بخواهیم قواعد بازی‌ای را بپذیرند و به آن وفادار باشند که شانس منصفانه‌ای برای شرکت در آن نداشته باشند.)

این شانس منصفانه که در پاراگراف قبل بیان شد در حقیقت در پی تحقق انصاف روندی و برقراری فرصت محتوایی به دست می‌آید. زمانی که این دو فاکتور تحقق یابند در حقیقت امکان دستیابی به مناصب ممتاز فراهم می‌گردد و شرط گشودگی تحقق می‌یابد و این چنین یک نهاد توجیه‌پذیر می‌شود.

رالز شرط گشودگی را شرطی تلقی می‌کند که باید برآورده شود تا نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی عادلانه شوند. رالز می‌گوید: (نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را باید به گونه‌ای سامان داد که الف) به طرز معقولی انتظار داشته باشیم که هر دو به نفع همگان باشد و ب) هر دو از آن مناصب و مقاماتی باشد که باب آن‌ها بر روی همگان گشوده است.)

اسکنلن در اثر خود می‌گوید مسائلی را که مطرح کرده است ناظر به جامعه آمریکاست. اما ما با کمی تأمل در این اثر می‌توانیم از وجوه مختلف آن بهره ببریم. حال با توجه به مسائلی که ذکر شد وقت آن است که سوالاتی ناظر به شرایط حکمرانی فعلی ایران پرسیده شود:

- 1) انصاف روندی تا چه میزان در حکمرانی ما در دایره توجه قرار گرفته است؟
- 2) چه تلاش‌هایی جهت تحقق فرصت محتوایی برداشت شده است؟
- 3) حال که شرایط به روی همگان گشوده نیست و نهادها توجیه‌ناپذیر شده‌اند باید منتظر چه عواقبی باشیم؟
- 4) گشوده نبودن فرصت تصاحب مناصب ممتاز (و حتی استخدامی-های عادی) رسمی و حاکمیتی آیا حس طرد شدگی از سمت حکومت را در مردم برمی‌انگیزاند یا خیر؟
- 5) می‌دانیم که بخش خصوصی در کشور ما نحیف است و از طرفی نهادهای حاکمیتی در کشور ما فربه هستند و مناصب ممتاز فراوانی دارند. با توجه به اختلاف شدید هنجاری میان بخش قابل توجهی از مردم با حاکمیت، این مناصب به چه افرادی باید سپرده شود؟ چطور می‌توان این نهادها را توجیه کرد؟ این تفاوت هنجارها چطور باید کنترل شود؟
- 6) رابطه این توجیه‌پذیری با مشروعیت نهادها چیست؟ (با این پیشفرض که عدالت و مردمی بودن دو شاخصه اصلی مشروعیت باشند).

امیرعباس دردانه
رادیولوژی ۹۸

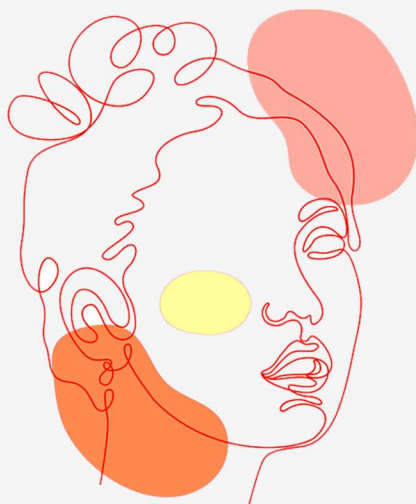


این متن حاصل توضیح بخش بسیار کوچکی از کتاب "چرا نابرابری معضل آفرین است؟" اثر تی. ام. اسکنلن می‌باشد و البته در پایان سوالاتی که می‌توانیم در مورد شرایط فعلی حکمرانی پیرسیم مطرح می‌کنیم. اسکنلن همچون جان رالز و جیمز بیوکنن قراردادگرا (contractualism) است و این بدین معناست که آن‌ها معتقدند نهادها برای هر کسی که ملزم به قبول و مشارکت در آن‌ها است باید توجیه‌پذیر باشند.

اسکنلن در کتاب خود شش دلیل برای ایراد گرفتن به نابرابری اقامه می‌کند. یکی از شرط‌هایی که وی معتقد است سبب برقراری برابری می‌شود پرداختن به فرایندهایی است که افراد جامعه از طریقش برای مناصب ممتاز انتخاب می‌شوند. اسکنلن این شرط را "انصاف روندی" نام‌گذاری می‌کند. منظور او از مناصب ممتاز مناسبی است که دستمزدهای بالایی نسبت به سایر مناصب دارند یا این‌که این مناصب دارای پرستیژ خاصی هستند. به عنوان مثال جایگاه مدیریت در یک شرکت می‌تواند از مناصب ممتاز به شمار بیاید. شرط دیگری که اسکنلن مطرح می‌کند "فرصت محتوایی" می‌باشد. این شرط به تعلیم و تربیت و دیگر شرایطی می‌پردازد که برای تبدیل شدن به نامزد خوب به منظور انتخاب شدن از طریق چنین فرایندی ضرورت دارد.

اسکنلن در کتابش اشاره‌ای نیز به "برابری منصفانه فرصت" از منظر رالز می‌کند. رالز می‌گوید: کسانی که در سطح یکسانی از استعداد و توانایی قرار دارند و اشتیاق یکسانی برای به‌کارگیری آن‌ها دارند، فارغ از جایگاه نخستین شان در نظام اجتماعی باید آینده‌ای موفقیت‌آمیز یکسانی داشته باشند. از این سخنان می‌توان این‌طور برداشت کرد که نهادهای اجتماعی و حکومتی موظف هستند که آموزش و پرورش لازم را به افراد جامعه بدهند تا افراد متناسب با توانایی و اشتیاقشان رشد کنند و طی یک روند منصفانه به استخدام جایگاه مناسب خود برسند. به نظر می‌رسد این‌جا می‌توانیم این اصل را به جز کسب مناصب ممتاز به سایر موضوعات تعمیم دهیم که البته فعلاً محل بحث ما نیست.

با شرح یک قید یا هنجار دیگر می‌خواهیم بحثمان را بیشتر واضح و ملموس کنیم پس به سراغ جمله‌ای کلیدی می‌رویم که در ابتدای متن ذکر شده بود: نهادها برای هر کسی که ملزم به قبول و مشارکت در آن‌ها است باید توجیه‌پذیر باشند. این توجیه‌پذیری یعنی چه؟ جوابهای مختلفی می‌توان داد. مثلاً نظام استدلالی که یک نهاد دارد باید مخاطب و کارمند خود را قانع کند. این توجیه‌پذیری کمی گسترده است. فرضاً نهاد X باید حقوق منصفانه بدهد.



زنان و مسئله‌ی هویت

هویت چیست؟! چرا بررسی آن برای زنان چالش و دغدغه شده است؟

زنان در عرصه‌های متعددی توانسته‌اند با درایت تمام نقطه اثرشان را اثبات کنند. شاید اگر یک مقایسه‌ای نیز میان زنان سنتی و مدرن در این مسئله داشته باشیم پی خواهیم برد هر چقدر که به پیش می‌رویم هویت زنان نیز بیشتر شناخته و مهم می‌شود، و سعی برای بروز و ظهور دارند. نکته حائز اهمیت این است که شاید برای افراد مختلف سوال شود، کدام متغیر از میان متغیرهایی مثل؛ سبک زندگی، ارزش و نگرش‌ها و تحصیلات در باز تعریف هویت اجتماعی زنان نقش ویژه‌ای داشته باشد؟! باتوجه به پژوهش‌ها و تحقیقات در این مسئله، متغیر تحصیلات و سپس ارزش و نگرش در ادامه سبک زندگی در باز تعریف هویتشان نقش ویژه‌ای داشته است.

متغیر تحصیلات بدلیل اینکه زنان را به منابع فرهنگی و هویت سازی مجهز میکند نقش بسیار مهمتری نسبت به عوامل دیگر دارد. حتی در برابر باورهای کلیشه‌ای مبتنی بر جنسیت.

یکی از تفکرات جریان‌های فکری فمینیستی و نهضت‌های حقوق بشری بازتعریف هویت زنان است. و آنچه که در بازشناسی هویت زنان تاکید می‌شود این است که زنان قبل از این که نقش‌شان به عنوان مادر، خواهر، و همسر کسی باشند، «انسانی» است؛ آزاد و مستقل، نه جنس («دیگری») و نه «دومی». یعنی در این تعریف به مستقل بودن بعنوان نشان هویت زن در وهله اول تاکید شده و بعد اگر به تعبیر جریان فمینیست، استقلال از آنان گرفته شود سایر آزادی‌ها نیز برایشان بی معناست.

البته نباید فراموش کرد که مسئله هویت در بین زنان روستایی و شهری در جوامع سطوح متفاوتی دارد و رسانه‌ها توانسته‌اند نقش مهمی در رسیدن به تفاوت‌ها و اشتراکات هویت زنان بازی کنند. دسترسی به پلتفرم‌های اجتماعی، اپ‌های مختلف در بازشناساندن هویت زنان نیز قابل توجه است به طوری که نقش

فاطمه بهرامی

جامعه‌شناسی ۱۴۰۰



در دهه‌های اخیر گسترش تحولات اجتماعی و فرهنگی، آگاهی و حضور در میادین کنشگری و البته تغییرات اجتماعی در نقش‌های هویتی زنان تاثیر به سزایی داشته است. هویت یابی عرصه‌ی جدید عمل اجتماعی است. در جامعه امروز زنان محوریت ویژه‌ای در گفتمان‌های اجتماعی پیدا کرده‌اند. ما با تغییرات اجتماعی رو به رو هستیم و زنان نسبت به قبل بشکل ویژه‌تری از حضورشان برای کنشگری در جامعه دفاع می‌کنند؛ به نوعی سعی بر حفظ هویتشان به عنوان نمادی از ابعاد وجودی آنها دارند.

اما هویت چیست؟! و چرا بررسی آن و تامل در این باره برای زنان چالش و دغدغه شده است؟ هویت یا کیستی به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فرد و آنچه وی را از دیگران متمایز می‌کند گفته می‌شود. ما در این تعریف به سه کلید واژه برمیخوریم؛ "نگرش"، "ویژگی‌ها" و "روحیات". زنان در مسئله نگرش همواره چالش‌هایی داشته‌اند خصوصاً نسبت به رویکردهای اطرافیان در خصوص ابراز نگرششان به دنبال آن ویژگی‌های جنس زن و در ادامه روحیات و عواطف زن به میان می‌آید. همه اینها دست به دست هم می‌دهند برای ایجاد یک باور در عرصه ظهور کنش اجتماعی آنان. در جامعه امروزی زنان چه رویکردی دارند و موضع‌شان نسبت به اطراف و تاثیرگذاری بر سر موضوعات مهم چیست؟! مشارکت اجتماعی زنان مقوله بسیار مهمی است که از بازاندیشی هویت و رسیدن به یک باور برای ظهور کنشگری کلان یاد شده است.

زن و چگونگی ایفای آن بعنوان همسر، مادر به نوعی برگرفته از ایده‌های شبکه‌های اجتماعی است و زنان تمایل دارند که برای جذاب کردن هویت و شناساندن هویتشان حتی به مردان و اطرافیان‌شان از قابلیت‌های این اپ‌ها استفاده کنند. برایتان مثال می‌زنم؛ اگر دقت کنید زنانی که در پلتفرم اینستاگرام در قسمت نمایه شخصی زیر عکس‌شان نوشته‌اند همسر، یا یک مادر، این چه نکته‌ای را برای عموم القا می‌کند؟ اینکه هویت من با هویت مادری، یا نقش همسری مشخص می‌شود برای تک‌تک افراد جامعه. این خود نشان دهنده این است که زنان نسبت به قبل از طریق رسانه‌ها میدان کنشگری را هرکدام متفاوت برای بازشناسی هویت انتخاب می‌کند و تغییرات عصر مدرن نیز روی این مسئله تأثیر زیادی داشته است.

ارزش‌ها، نگرش‌ها، تعریف زنان و آگاهی اجتماعی آنان نیز به دنبال تغییرات مدرن نقش ویژه‌ای در رسیدن به پایگاه‌های اجتماعی زنان داشته است. اگر ما به کلید واژه مصرف‌گرایی در مسئله هویت نیز اشاره کنیم بد نیست. از زاویه‌ای دیگر مصرف‌گرایی و افزایش تمایلات مصرفی شده، راهی برای بازاندیشی هویت زنان در جوامع سنتی باز شده، به نوعی که سعی بر این دارند با مصرف اینگونه موارد متعدد هویت اجتماعی‌شان را تعریف کنند. و اینجا مسئله آگاهی مهم است. اینکه زنان در رویارویی با این تغییرات چه راهی را برای شناساندن هویت‌شان اتخاذ می‌کنند. پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد حتی عواملی مانند نابرابری اجتماعی، جهانی شدن و مصرف‌گرایی ۲۲ درصد از تغییرات بازتعریف هویت اجتماعی را تبیین می‌کند.





امروز هم عاشورا است

کُلُّ یَوْمٍ عاشورا و کُلُّ اَرْضٍ کربلا

عاشورا نمونه کامل مبارزه با ستم و خودکامگی است و ما امروز بیش از هر زمان به گسترش و نشر این فرهنگ نیاز داریم. اینکه این میزان بر یاد و ذکر امام حسین (ع) تاکید می شود و هر سال محرمی هست به این دلیل است که این فرهنگ باید به فردای بشریت منتقل شود. برای انتقال آن لازم است که تکرار شود و با عواطف بشری مخلوط گردد. اوج عاطفه بشری نیز گریه و اشک است. به همین علت این میزان روی این قضایا تاکید شده است.

بنابراین همه این عزاداری ها و اشک ها و روضه ها و مداحی ها وسیله است و هدف چیز دیگری است. هدف اشاعه فرهنگ مبارزه با ستم و عمل به آن ارزش ها است. ما نباید وسیله و هدف را با هم اشتباه بگیریم. اگر هدف را اشک و روضه قرار دهیم به بیراهه می رویم. این ها وسیله است که ما را به آن مقصد عالی برساند. یعنی جایی که انسان ها حاضر شوند برای مبارزه با ظلم هزینه دهند. و از امام حسین (ع) الگو بگیرند.

جامعه امروز ما پر از ظلم و تعدی هاست. هم در عرصه بین الملل و هم در داخل کشور. جنگ ها و تعدی به خاک کشور ها که نتیجه آن گسترش فقر و بی عدالتی است که نمونه هایی از ظلم جهانی است. تحریم ملت ها و محروم کردن آن ها از ابتدائیات زندگی نیز چنین است. در جامعه ما هم کم مظلوم رخ نمی دهد. فساد ها و بی عدالتی ها، تبعیض های گوناگون و... جامعه را به تنگ آورده است. بالاخره ما باید علیه این ستم ها مبارزه کنیم یا نه؟ راه این مبارزه را عاشورا به ما یاد می دهد. اگرچه عمده ستم کاران امروز جامعه ما خود را پشت همین امام حسین (ع) و عاشورا مخفی کرده است تا راه اعتراض و نقد را بر خود ببندد ولی راه مبارزه با همین آدم ها هم همان مکتب عاشورا است!

اگر فردی به اسم امام حسین (ع) و دین و با سو استفاده از آن بخواهد فساد کند و ظلم روا دارد، ما نباید در تله او بیفتیم. تله او این است که دین و عاشورا را سپر بلای خود کرده است. ما اگر به دین و امام حسین (ع) حمله کنیم به فرد ضربه نزنده ایم و در دام و تله او افتاده ایم. اتفاقا باید با بهره گیری از همان تعالیم دینی و عاشورایی به خود فرد حمله کنیم و در این راه از امام حسین الگو بگیریم که فرمودند: من مرگ با عزت را از زندگی با ذلت ترجیح می دهم. ■

مجتبی الباد
بهداشت مدارس ۱۴۰۱



همه ما از کودکی با محرم و عزاداری امام حسین (ع) خاطره داریم. و از همان کودکی کلید واژه ها و جملاتی را به یاد می آوریم. شاید در آن موقع معنای خیلی از آن ها برای ما قابل درک نبوده، همچون جمله "کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا". معنای این جمله چیست؟ آیا به این معناست که عزای امام حسین (ع) دائمی است؟ یا معنای دیگری دارد؟ بیایید این جمله را به کمک یکی از سخنان دکتر شریعتی بهتر درک کنیم. ایشان می گویند: امام حسین (ع) فریاد زد: آیا کسی هست که مرا یاری کند؟ و مگر نمی داند که کسی نیست که او را یاری کند؟ سپس اضافه می کند: این پرسش از فردای بشری و همه ماست. حالا شاید بتوانیم جمله بالا را درک کنیم.

"کل ارض کربلا" یعنی در هر جایی ممکن است ظلم و ستم رخ دهد. این میل خودخواهی و زیاده خواهی آدمی است که باعث می شود که در هر مکان امکان ظلم باشد. "کل یوم عاشورا" یعنی در هر روز و هر زمانی ممکن است قضیه کربلا رخ دهد. قضیه کربلا مگر چه بود؟ تقابل حق و باطل، تقابل ظالم و مظلوم.

در هر مکانی و در هر زمانی که ظلم رخ دهد گویی کربلایی به پااست و ما باید تصمیم بگیریم که در کدام طرف واقع شویم! طرف مظلوم را بگیریم یا با سکوتمان به ظالم کمک کنیم؟ اینجاست که جمله "هل من ناصر ینصرنی" امام حسین خود را ظاهر می کند و معنایش قابل درک می شود. آیا کسی هست مرا یاری کند؟ آیا کسی هست با ظالم بجنگد؟ اگر کسی طرف مظلوم را بگیرد حسین (ع) را یاری کرده است.

عاشورا و کربلا حادثه ای نیست که در دل تاریخ اتفاق افتاده و تمام شده باشد. عاشورا فرهنگ است و فرهنگ ما در دنیای امروز که آکنده از ستم و جور است به الگویی برای مبارزه نیاز دارد و چه الگویی بهتر از عاشورا؟

تغییرات مورد انتظار در روسیه در پاسخ به شورش گروه واگنر

آیا شورش نیروهای واگنر تهدیدی واقعی برای روسیه از حیث آشوب تلقی می‌شود؟



"آشپز پوتین" را به همراه داشت. ما نمی‌دانیم که او از لحاظ شخصی به "پوتین" چقدر نزدیک است اما مطمئناً شبکه‌ای از ارتباطات در داخل کرملین دارد و از درک روابط با پوتین برای پیشبرد اهداف تجاری خود استفاده می‌کند. با این وجود، روابط او با پوتین او را از راه اندازی شورش بازداشت همانطور که پوتین را از خطاب کردن او به عنوان یک قانون شکن که باید به شدت مورد مجازات قرار بگیرد باز نداشت.

توافقی که رئیس جمهور بلاروس "الکساندر لوکاشنکو" با میانجی‌گری انجام داد که اتهامات پریگوژین را کنار گذاشت و در ازای کناره‌گیری نیروهایش از شورش، بلاروس به او اجازه عبور امن داد باعث خنثی شدن تهدیدهای فوری شد اما این باعث جبران آسیب وارد شده به چهره "پوتین" و محاسبه نخبگان که اکنون آشکار شده نشد.



Thomas Graham, CFR Expert

مترجم: علی زارعی / پرستاری 1401

1) آیا شورش نیروهای واگنر تهدیدی واقعی برای روسیه از حیث آشوب تلقی می‌شود؟

خیر، کشور (روسیه) در معرض یک جنگ داخلی یا یک آشوب بزرگ نیست حتی اگر در سطح قابل توجهی قطع ارتباط وجود داشته باشد. رئیس جمهور "ولادیمیر پوتین" احتمالاً "شبح جنگ" داخلی را مطرح کرد تا نشان دهد که آماده است با شورشیان به شدت برخورد و آن‌ها را متقاعد به عقب نشینی کند و همچنین از پیوستن دیگران به دسته شورشی‌ها جلوگیری کند و برای توجیه پیشاپیش اقدامات شدید سرکوبگرانه‌ای که او اکنون احتمالاً پیش خواهد گرفت تا اطمینان حاصل شود که هیچ تهدید مشابهی در آینده ظاهر نمی‌شود.

با این حال در پی شورش ما باید منتظر یک تغییر در کابینه دولت باشیم. یک نفر باید مورد سرزنش قرار بگیرد برای اینکه شورش در نطفه خفه نشده است. و این بدیهی است که پوتین خودش را مسئول این اتفاق نمی‌داند. اتهام‌های زیادی در داخل "کرملین" وجود خواهد داشت به این صورت که جناح‌های نخبه به دنبال حفظ موقعیت خود و فرسایش رقبای خود هستند. برنده و بازنده‌ها در چند هفته آینده مشخص تر خواهند شد.

2) "یوگنی پریگوژین" کیست و چه ارتباطی با "پوتین" دارد؟

"پریگوژین" یک تاجر ملی‌گرای افراطی روس است که موسس "گروه واگنر" نیز هست. گروه واگنر یک شرکت نظامی خصوصی است که تقریباً در جنگ اوکراین 50 هزار سرباز داشته و ازین حیث دارای نقش برجسته‌ای در جنگ اوکراین است و از سال 2014 ظاهراً به دست پوتین در حمایت از سیاست‌های کرملین به سوریه و لیبی اعزام شده است و نیازهای امنیتی بسیاری از رهبران آفریقای را تامین کرده است. به عنوان مثال سودان مالی و جمهوری آفریقای مرکزی این گروه همچنین در بسیاری از شرکت‌های تجاری مشغول به کار است مخصوصاً در معادن آفریقا.

"پریگوژین" در اوایل دهه 2000 به عنوان رئیس یک شرکت پذیرایی که از نزدیک با کرملین همکاری می‌کند و به سرویس دهی ملاقات‌های رده بالا مشغول است به شهرت رسید. این نقش برای او لقب

3) چرا "پریگوژین" برای ارتش روسیه به این شدت بحرانی شده؟

از زمان شروع جنگ اوکراین پریگوژین رهبری ارشد نظامی روسیه از جمله وزیر دفاع "سرگئی شویگو" و "والری گراسیموف" رئیس ستاد کل را به دلیل شکست های سخت در میدان های نبرد اوکراین متهم به فساد و عدم لیاقت کرده است. اما "پریگوژین" منتقد ارتش روسیه به صورت کلی نیست. در واقع او تعدادی از فرماندهان را می ستاید از جمله "سرگئی سورویکین" قائم مقام فرمانده ارتش درگیر در اوکراین و معتقد است این افراد باید در جایگاه والتری مورد اسفاده قرار بگیرند اخیرا پریگوژین رهبران ارشد نظامی روسیه را به دلیل عدم تامین مهمات کافی و سایر تدارکات به نیروهای خود در زمانی که در تلاش برای تصرف شهر باخموت در شرق اوکراین بودند مورد انتقاد قرار داد. هرچند در نهایت نیروهای او موفق شدند اما پریگوژین اعلام داشت که متحمل تلفات زیادی از جمله ده ها هزار کشته شده است و این تلفات مستقیما به خاطر کمبود تدارکات بوده است.

4) آیا رویدادهای اخیر می تواند برونود خود جنگ تأثیر بگذارد؟

حداقل، شورش هیچ کاری برای ارتقای روحیه سربازان خط مقدم یا بهبود وضعیت و وحدت فرماندهی عملیات نظامی روس ها نمی کند. این امر به طور اجتناب ناپذیری توجه رهبران ارشد روسیه را از تلاش هایشان منحرف می کند و این صرفا پیامدی کوتاه مدت نیست. در نهایت مهم نیست که این شورش چگونه پایان می یابد بلکه کرمین باید منابع بیشتری را برای جلوگیری از موارد مشابه در آینده اختصاص دهد. در عین حال در روزهای آتی خواهیم دید که آیا کیف می تواند از بی نظمی پدید آمده در روسیه برای پیشبرد ضد حمله جاری خود استفاده برد یا خیر. باید انتظار این را داشت که تلاش های فزاینده ای برای بررسی آسیب پذیری ها در طول خط تماس و شاید حملات متعدد به اهدافی در داخل روسیه برای تشدید احساس خطر و وادار کردن کرمین به هدایت افراد و تجهیزات از اوکراین به امنیت داخلی را شاهد باشیم. ■





فاطمه سادات حسینی المندنی
صنایع غذایی ۹۹

گاهی وقت‌ها انسان به تنهایی نیاز دارد، آن هم از نوع بسیار عمیقش!!!

از آن‌ها که به راحتی در گوشه‌ای از شهر رویاهای خود کز کنی و در کمال آرامش بیاندیشی...

به درخشش ستاره‌ها، به زیبایی فصول، به گرمای تابستان و شاید این روزا، کمی هم به عاشورا...

به نظر بنده درک آن روزها از عهده ما خارج است اما آنقدر این رخداد عظیم است که ناخودآگاه انسان را به تفکر واداشته، درنگ می‌طلبد...

آدمی افسانه‌ها را با تمام تحریف‌هایش، با لذت دنبال می‌کند؛ گویا روایت زندگی گذشتگان همواره بزرگ‌ترین درس‌ها را به ما می‌دهد...

به کربلا که می‌اندیشیم، گویا همان هر ساله آن را زندگی کرده و با تک تک سلول‌هایمان به آن رخداد واقفیم...

واقف به رشادت‌ها و مظلومیت‌ها، واقف به حقیقت باران آتش و تشنگی تا مرز هلاکت...

زیبایی رشادت‌های عباس علی و دلیری‌های ایشان، گوش فلک را کر کرده و چنان اغراق آمیز است که قلب آدمی را به آتش می‌کشد...

عباس بیش از یک برادر و علمدار برای حسین ابن علی بود...

عباس بارانی بود برگداخته سنگ‌های جگر حسین...

سرپناهی بود در طوفان دوزخ کوفیان...

استوار کوهی بود به بلندای آغوش پدر...

عطشان علمداری بود غرق در فرات...

عباس هم رکاب ولایت ولی بود...

عشق عباس به حسین آنچنان جسیم است که گویا قطره‌ای آب در بزرگ گرداب حُب سید الشهدا به دام افتاده است...

می‌گویند عباس باب‌الحسین است...

یعنی هر کس خواهان موهبت حسین است، می‌بایست از حامی و ساقی حسین بگذرد...

و چه رویایی گوارا تر از آنکه در این غرقاب به دام افتاده، تر جیعا غرق شویم!!!

"سفر شهادت"

معرفی کتاب



رضا هادی فرد
علوم تغذیه ۱۴۰۱

واقعۀ عاشورا یکی از مهمترین وقایع تاریخ اسلام است که دارای ابعاد مختلفی می‌باشد. امام موسی صدر در کتاب سفر شهادت، که مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها و جلسات ایشان پیرامون مسئلۀ عاشورا و قیام امام حسین(ع) است، این واقعه و پیامدهای آن را بررسی کرده است و با تشریح وقایع و تعمیم آنها به مسائل عصر خود بیان "کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا" را به خوبی به خواننده‌ی کتاب تفهیم می‌کند.

فرد با مطالعه‌ی این کتاب به درک عمیقی از زمینه‌های بروز اصل واقعه و پیامدها و نتایج حاصل از این واقعه می‌رسد. واقعه عاشورا درس‌های مهمی برای آزادی‌خواهان جهان دارد. این مهم بودن را می‌توان از بهای آن فهمید، بهای آن خون حسین(ع) است، نوه پیامبر، فرزند علی و فاطمه.

به راستی هدف از این قیام و جنگ نابرابر که یک طرف آن میراث پیامبر قرار دارد چیست؟ یزید خود را امیر مومنان می‌داند و بر منبر رسول خدا می‌نشیند و به نام اسلام بر مردم حکومت می‌کند، از درون اسلام را به مبارزه می‌خواند و آنچه را با فداکاری‌ها و مجاهدت‌ها و مصیبت‌ها بدست آمده است را ابزاری برای فرمانروایی می‌داند نه بیامی برای آزادی انسان‌ها. در چنین وضعیتی وظیفه‌ی حسین(ع) که طبق گفته‌های پیامبر قرار است در کنار حوض کوثر به قرآن بپیوندد چیست؟ آیا باید با یزید همراه شود و امانتی که بدستش سپرده شده را به یزید بسپارد؟

حسین(ع) به خوبی می‌داند که باید دین حقیقی را که میراثدار واقعی آن اهل بیت(ع) هستند زنده نگه دارد و برای این کار هیچ چیز جلودار حسین نخواهد بود. همانطور که ایشان فرمودند: اصلاح امت جدم را هر اندازه که در توانم باشد خواستارم. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و در این راه زندگی خود را تنها ضمانت قرار دهم.

در این کتاب به خوبی قصد و نیت امام حسین(ع) و تنهایی او در قیام برای اصلاح امت پیامبر تشریح شده است و خواننده با خوانش آن به درک مناسبی از هدف امام حسین(ع) از حرکت و قیام دست پیدا می‌کند. همچنین با تسهیل درک اهمیت و ابعاد قیام امام حسین(ع) و فریاد "کیست مرا یاری کند؟" ایشان، خواننده را به سمت و سویی سوق می‌دهد که دیگر سکوت و سکون در برابر ظلم و ناعدالتی برایش خط قرمز محسوب می‌شود.

کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود. آری، زینب این بانوی قهرمان نقشی در بازتاب واقعه کربلا داشت که حتی دشمنان را متحیر گرداند. زینب(س) آن همه مصیبت و گرفتاری را چیزی جز زیبایی ندید و روایت آن تراژدی از دید خود زیبا را، در عین زن بودن به گونه‌ای انجام داد که قیام‌ها علیه بنی امیه یکی پس از دیگری به راه افتاد و این بانوی بزرگوار با روشنگری بی‌مثال خود رسوایی بنی امیه را تضمین نمود.

در پایان شما را دعوت می‌کنم که این کتاب چه ۲۶۴ صفحه‌ای را که کلامی بسیار ساده و روان دارد مطالعه بفرمایید.

برشی از متن کتاب: این نبرد برای چیست؟ این سنت خداوند است. این نبرد همیشگی برای این است که آدمی بتواند با اراده کامل خود، از میان خیر و شر، یکی را انتخاب کند تا بتواند به کمال برسد و این گونه است که سلسله پاینده ستیز میان ستمکار و ستم‌دیده به هرگونه که توصیف شود ادامه می‌یابد. ■



انجمن اسلامی دانشجویان مستقل:

تشکل انجمن اسلامی دانشجویان مستقل در زمینه های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، زنان، دوره تشکیلاتی و نشریات مشغول به فعالیت می باشد.

این تشکل ذیل اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل فعالیت می کند و برخلاف تمامی تشکل های دیگر به هیچ کدام از جناح های سیاسی کشور اعم از اصلاح طلب و اصولگرا و سازمان ها و نهاد های کشور وابستگی سازمانی و فکری ندارد.

جهت عضویت در تشکل یا فعالیت در هیئت تحریریه نشریات تشکل به شماره های زیر تماس حاصل فرمایید:

_____ ۰۹۹۰۰۳۸۴۰۰۵ خانم احمدیان

_____ ۰۹۲۲۶۷۶۴۰۴۷ آقای دردانه

”

